

خبرنامه جنگ - ۹

- گفتگوی یک جنگ زده خرمشهری
- از نامه یک سرباز آگاه در جبهه حوزستان
- زخمی شدن يك زن زحمتکش در صف کوبین

صفحه ۴
صفحه ۴
صفحه ۴

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
وزنه جنگ ایران و عربی

بیکار

دوشنبه ۱۰ آذر - ۱۳۵۹

صفحه ۴

اوضاع فلاکت بار زندگی آوارگان

صفحه ۳



حکامی باعث آوارگی نوده های زحمتکش کرده اند. آرزوی جمهوری اسلامی
ورزیم جمهوری عراق مسیبن املی فلاکت بوده های ما است.

جنبش آوارگان جنگ

باسداران ارتجاع رودر روی آوارگان جنگ زده

رامهرمز:

در تاریخ ۸/۱۲، در یکی از بیمارستانهای رامهرمز، یکی از خانواده های جنگ زده که فاقد سرپناه بودند تصمیم میگیرند که با جوب و حصیر "اتاقی" در مدرسه برای خود درست کنند، که با مخالفت شدید مدیر مدرسه روبرو میگردند. خانواده زحمتکش که پس از تحمل سختیهای ناشی از جنگ ارتجاعي جان به لیبش رسیده بود، تحمل زورگویی مدیر مدرسه را نکرده و با میله آهنی به او حمله ور میگردند. مدیر هم باسداران ارتجاع

بقیه در صفحه ۴

پای صحبت زحمتکشان

فرباد از گرانی

اتومبیل از ظروف طویل بنزین درمندان "آزادی" رد میشد، راننده به گرانی بنزین اشاره کرد. مدیر مردمانی گفت: "ملا میدونی که چرا بنزین قیمتش به برابریه؟ برای استکه میواد سوختی کافی برای جنگنده ها داشته باشه!" راننده گفت: "بدختی ما از این سعادت که تمام حسارهای جنگ از دسترنج ما تا من خواهند شد" مسافر دیگری گفت: "بس چرا نشد و تکیه بیدانمیشه، شکرکه مواد سوختی نیست، تمام این کمیودوگرانی از جنگ ناشی میشود" سرجوای گفت: "نه انباشتگرو گوشت... چه ربطی به جنگ دارند همش بقصرا جنگارکننده ها ست" (دیگری در پاسخ او گفت: "مگر محترمین چه کسانی جز ما به - داران هستند که الان تمام قدرت و اختسارات مملکت دست آنهاست. آنها هستند که از این

بقیه در صفحه ۴

رویزونیست ها، نوکران سرمایه داران هستند

صفحه ۳

صف کوبین بنزین و اعتراضات توده ها

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه عدد زیادی از رانندگان تاکسی و تاکسی بار برای شبیه نوین بنزین به فرمانداری مراجعه و فرماندار هم پس از گفتگو با فرماندهان آنها راه بانک صادرات حسن آباد پاس میدهد. بعد از خروجت پارکینگ بانک صف میندند پس از دادن کوبین به چند راننده تاکسی اعلام میکند که نمیتوانند به بانک بارها کوبین بدهند. در این موقع راننده ها به داخل بانک میریزند ولی ما مورس

بقیه در صفحه ۴

بیکار شدن ۲۲۰۰ کارگر بندری خرمشهر!

کارگران و کارکنان شرکت های ایران ترمینال، بارفومسی، استودورینگ و... بندر خرمشهر که جمعا ۲۲۰۰ نفر هستند، بعد سال جنگ ارتجاعي رژیمهای ایران و عراق و انقالب خرمشهر برای رسیدگی بوضع کارورندگان در روزهای متعدد (۱۸ تا اواخر آبان) به اداره بندر و کشتیرانی مراجعه و حقوق عقب مانده شان را میخواهند ولی مسئولین شرکت ها با منطق همینگی سرما به داران اعلام میکنند که اس

بقیه در صفحه ۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ بای ...

جنگ حمایت میکنند من خرده فروش یا راسته و کارگر!؟" را ننشده افزود: "آقا با نژده سالی که در خارج بوده هفت از آزادی مردم، از آزادی تلویزیون صحبت میکرد پس چرا نمیگذارد مردم از آزادی تلویزیون در دهها پیش را بسترای یکدیگر بگویند، چرا جوانان این کشور را شکنجه میدهند (با اشاره به "مجاهد" و "یژه سادسی") مسافر دیگری افزود که: "حالاتی تحمل حرفهای نور چشم و عزیزان نشان (اشاره به قطب زاده مرتجع) ندارند!"

● دود جنگ به چشم کارگران و دیگر زحمتکشان می رود :

زن زحمتکشی از اهالی "زورآباد" (کرج) از رنج و درد زندگی شان صحبت میکرد. میگفت با هزار بدبختی و کتک و زندان برق و آب گرفتیم. برق که به بها نخواستیم، شبها قطع میشود و روزها هم گاهی یکی دو ساعت برق داریم. آب هم مثل سابق بیشتر قطع است. شوهرم کارگر است و چهار تا بچه داریم. روزی صد تومان مزد میگرفت پس از شروع جنگ ۳۰ تومان بسرای کمک به هزینه جنگ کم کرده اند و هر چه شوهرم و دیگر کارگران (پول جا داده قدیم کرج) اعتراض کرده اند تو چوچی نکرده و حتی تهدید به اخراجشان کرده اند. با این پول کم و گران چکار کنیم؟ خرج مدرسه بچه ها، خرج بیماری، خرج لباس و... را چه کنیم؟ ماها غذای گرم نمی خوریم به هر جا که میرویم میگویند جنگ است و قوتی "انقلاب" شد خیال میکردیم خوشبخت خواهیم شد ولی امفهان عوض نشد. حالا هم جنگ خوب بهانه ای شده که ما را سرید و آوند، بولندارها که طوریشان نمیشود!

● مرگ خوبست ولی برای همسایه !

گروهی از زحمتکشان "زورآباد" در حدود ۱۰ نفر در مورد جنگ صحبت میکردند، تقریباً همگی با دولت مخالف بودند. زنی میگفت دولت ما هم در شروع جنگ تقصیر دارد، مگر میشود بی زور دولت های دیگر را عوض کرد (و بزبان ساده اشاره "صدور انقلاب اسلامی" اشاره میکرد). زحمتکشی میگفت "هی از مردم می خواهند به جنگ برسند، پس چرا خودشان نمی روند و جوانهای این کشور را به کشتن میدهند؟" همگی حرف او را تایید میکردند و مرتب با کلماتی ساده خشم خود را نسبت به هیئت حاکمه نشان میدادند.

● زحمتکشان با جنگ ارتجاعی مخالفند!

درمیی بوس کرج - تهران صحبت از جنگ بود و مشکل مسکن و گران، نزدیک به سی نفر مسافر که اکثر آنها کارگر و زحمتکش بودند با جنگ مخالف بودند. دسته دسته هر کدام را به یک

سری از مشکلات گریبا نگیر زحمتکشان حرف می زدند. مسکن شمال شهری ها را با خانه های محقر خود مقایسه میکردند. یکی میگفت هیچ دیده اید که "یکی از بزرگان قوم مثل رفسنجانی بیسای بهشتی در جنوب شهر بس "مستضعفان" زندگی کنند". اکثر از عوام مغربسی های دولت متنفذ بودند. یک کارگر "اکباتان" که کله فندی هم در دستش بود میگفت دولت شما مسکن ندا دو حلال هم شما بلای جنگ را سرما خراب میکند". "حالا لا میخواهنته ما را به جبهه بفرستند". "ما کارگران اکباتان ۴۰۰۰ نفریم که یکمده که اهل گیلان غرب بودند سخا طرخا نوده شان به جبهه رفته اند و الا هیچکدام ما را حاضر نیستیم به جنگ برویم، ایسن جنگ برای ما هیچ سودی ندارد جز قحطی و بیچارگی این کله قندرا هم برای رفقایم گرفته ام". در بین ۲۸ مسافر فقط یک نفر مدافع سرخست جمهوری اسلامی بود که تا میخواست عوام مغربسی کند با اعتراض دیگران روبرو میشد و به همین جهت هم کمتر حرف میزد. زحمتکش میانالی با صدای رسا میگفت: "عزیزان من ما از این دولت جز اینها انتظار داریم، سرمایه داری ذاتش همینطور است، بگذار جنگ تمام شود و مردم بدبختی های جنگ را بیشتر و بهتر حس کنند. آنوقت عمرا این رژیم نیز بگردد و نروا هشد.

● جنگ بلای جان زحمتکشان !

زن کارگری از سختی و گران زندگی صحبت میکرد. میگفت که: "چه انقلابی؟ هیچ چیز عوض نشده، شما خانه ها دادند، تازه با این جنگ شان روز بروز فشارشان هم بیشتر شده، در کارخانه های میگویند بیشتر کارکن. دیدگه کم رو گردن برایم شما نداده زین جعبه زدم". میگفت: "در این جنگ کی ها کشته میشوند؟ جز بچه های ما؟" زن زحمتکش دیگری از اهالی جنوب تهران میگفت: "با این جنگ همه چیز گرانتر شده، فشار جنگ بیشتر روی دوش ما فقیرهاست". اضافه کرد "هر کی کشته شده از جوانان پائین شهر بوده" میگفت "با ایسن جنگ و بعد از آن پول این همه اسلحه ها را کس میخواهد بدهد؟"

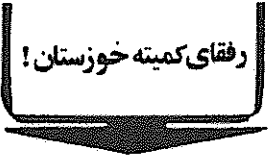
مرد زحمتکشی که مستخدم بود میگفت "هی تو را دیو تلویزیون میگویند فلان جا را تا نبود کردیم و اینقدر تا نک و... تا بوهش، با ایسن حساب میبایست تا بفدا دبیش رفته باشند و لسی می بینیم که خر مشهورا می گیرند. معنی ایسن حرف اینست که اینها همه اش دروغ میگویند" اضافه کرد: "یک نفر میگفت آید در را بگیرید، یک نفر دیگر پیدا شد و به او میگفت که دزد همیسن است او را بگیرید، بالاخره معلوم نشد که کدام دزد هستند، حکایت دولتهای ما (اشاره به ایران و عراق) هم حکایت همین "دزد را بگیر" است". زن زحمتکشی که شوهرش کارگر کارخانه آرج است میگفت که دوروز حقوق شوهرش را اینها نه

بقیه از صفحه ۱ صف ...

سلح بانک و شهرهای آنها را بیرون میکنند و زحمتکشان را ننده در مقابل بانک جمع شده و شعار میدهند و شروع به بحث مینمایند و نظرات را نندگان قاطعتر میشود.

رانند های میگفت: "اینها جنگ راه انداخته اند. بد بختی اش را باید ما بکشیم. تا کس ملت ما باید فدای این رژیم شود". اغلب رانندگان او را تایید کردند و کس مخالفی با گفته وی نکرد.

ساعت ۴ رنج راننده ها با فشار وارد بانک شدند و هر از نیم ساعت بلا تکلیفی سروکله کینت چی ها پیدا شد. پاسداری شروع به نطق کرد: "بسم الله الرحمن الرحیم دولت جمهوری اسلامی به کسی باج نمی دهد... که راننده ها با هو صحبت را قطع کردند. اضافه کرد که می توانند اول آن در بیا نید و کوبن بگیرند و باید بانک را ترک کنید ولی آنچنان خشمی راننده ها را فرا گرفته بود که کسی را با زای آرام کردن شان نبود. آنها از شرکتشان در انقلاب و از وضع زندگیشان و اینکه باید شک بچه هایشان را سیر کنند گفتند و متحدانه در مقابل پاسداران ایستادگی کردند و بالاخره توانستند با اتحاد عمل خود و ضمن افشاگریهای فراوان هم ترو ز کوبن بنزین دریافت کنند. فرماندار سعی کرد چند بار آنها را به فرمانداری بکشاند ولی آنها بتوطئه های ارتجاع آشنا بودند و تا رسیدن به هدفشان محل بانک را ترک نکردند و باز هم ثابت کردند که اتحاد زحمتکشان، درهم کوبنده ارتجاع است. ■



رفقای کمیته خورستان!

۶ شماره از خبرنامه جنگ از انتشارات کمیته خورستان سازمان پیکار بدست ما رسید. با ارج نهادن به تلاش شاد را انعکاس مسائل و اخبار مربوط به جنگ ارتجاعی کنونی سازمان دهی مبارزات توده ها، موفقیت شعار را در انجام وظایف مبارزاتی آرزو میکنیم. ■

جنگ کم کرده اند ولی روی ورقه رسیده نوشته اند برای خرید محصول و قسط خرید محصول را هم از او گرفتند و کارگران هم قصد دارند اعتراض کنند. زحمتکشان که با راهی این جنگ ارتجاعی را بدوش می کشند، در مقابل تشبیهات رژیم زبان به اعتراض گشوده اند. با تشایح دولتش بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است ■

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نقشه از صفحه ۱ روزیونیستهای "اکثریت" ...

● برای روزیونیستهای "اکثریت"

ارتش آزاد به بخش ویتنام و پاسداران یکی است

کرمان: هواداران اکثریت فدائیان برای فریب مردم اقدام به نمایش یک فیلم کوتاه از قهرمانیهای خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا نمودند. پس از پایان فیلم یکی از روزیونیستهای "اکثریت" در مورد مبارزه خلق ویتنام صحبت کرده و آنرا با جنگ فعلی ایران و عراق مقایسه کرده و نقش پاسداران سرمایه را با ارتش آزادیبخش ویتنام مقایسه کرده و از آنها ستایش میکند که مورد اعتراض مردم آگاه و هواداران نیروهای انقلابی قرار میگردد. تنگ بر روزیونیستها که تاریخ مبارزات خلقها را برای خدمت به بورژوازی تحریف میکنند.

● روزیونیستهای فدایی (اکثریت)

همدوش پاسداران ارتجاع

(۷/۲۵)

هواداران سازمان روزیونیستهای فدایی (اکثریت) که به تبعید زمی بورژواشیستان کمرهت بدفاع از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بسته اند مراسم تجلیلی که از طرف روابط عمومی سپاه پاسداران را مبرمزه خاطر گذشته شدن محمدپورکیان (فرمانده سپاه را مهرمز او احمدی (معاون سپاه پاسداران خوزستان) برگزار شد، شرکت نموده و با بهیای پاسداران ارتجاع شعارهای آنها را تکرار میکردند:

"ما همه پیرو خط امامیم"، "پاسداران گلپای انقلابند، ارتشیان سنگرا انقلابند" ارتشیان سنگرا انقلابند" و هنگا میکه یکی از پاسداران از توده های آواره شهرهای جنگ زده میخواستند که به شهرهای جنگی برگردند تا پیدا اکثریتی ها رو برو میشود.

از طرف دیگر همین هواداران که با سپاه پاسداران در تنگبانی و گشت محلات همکاری میکنند، هواداران سازمان ما را به هنگام پیشا اعلامیه در یکی از محلات را مهرمز مورد تعقیب قرار میدهند و در توجیه کارشان به هواداران بیکار گفته اند که "اگر شما اعلامیه بخش کنید، بچه های ما را میکینند!"

خیانت به انقلاب و نوکری و جاسوسی برای بورژوازی، حرفه همه روزیونیستهای خاشن است.



نقشه از صفحه ۱ انواع ...

● وضعیت آوارگان مستقر در شادگان

از آنجاکه بخش شادگان عرب نشین میباشد اکثر خلق عرب جنگ زده خورشهر و آبادان به آنجا کوچ کرده اند و در جاهای که هلال احمد را اختیار نشان قرار داده، زندگی می کنند.

وضع بهداشت آوارگان بدست خراب است و انواع بیماریها (از جمله وبا و مالاریا) و جانورانی مانند عقرب و مار صحرایی نیز جان زحمتکشان را تهدید میکند.

چون شادگان گنجایش جمعیت بیش از ۲ هزار نفر را نداشته و هم اکنون جمعیت به ۲۰۰ هزار نفر رسیده، مواد غذایی نیز به سختی پیدا میشود. رژیم با قناعت تمام بدون اینکه احتیاجی فکرا زمین بردن مشکلات توده های جنگ زده را به مغزین راه دهد، فرماندار ارتجاعیش را برای فریب زحمتکشان به سراغ آنها میفرستد و وی با آوارگان اعلان میکند که: "از آنجائیکه این منطقه جنگی است و امکان آمدن سیل نیز وجود دارد، خود را مسئول میدانید تا شما را از این منطقه خارج سازیم و به جبرفت کرمان و نجف آباد میفرستیم".

یکی از مسئولین هلال احمد در جواب سؤال "اگر مردم مقاومت کردند، چه خواهید کرد؟" پاسخ میدهد: "چادرها را از آنها میگیریم و هر جا که خواستند بروند چون مانع کار ما اینجا کسی باشد!"

عوامل رژیم دروغهای یکدیگر را فاش میکنند یکی میگوید برای کمک میخواهم آوارگان را انتقال دهم، دومی میگوید اگر چادرها را ندهند از آنها میگیریم!

اما آوارگان زحمتکشان بخواهی ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را شناخته اند. آنها میدانند که بخاطر دور کردن آوارگان از دیگر مردم ویرانند نمودن آنها در شهرهای مختلف اولاً تشکل و همبستگی آنان را زمین برد و دوماً مانع از تماس این زحمتکشان با توده های می شوند. بهمین خاطر آوارگان در مقابل این توطئه مقاومت کرده و شهرپرترک نمیگویند. آوارگان بحق میگویند که اگر آنها آسایش ما را میخواهند در همینجا کمبودهای ما را برطرف کنند.

"زحمتکشان آواره فریب نیرنگهای رژیم ارتجاعی را نخواهند خورد".

● وضعیت آوارگان ساکن را مهرمز

آوارگان مستقر را مهرمز هم مانند سایر نقاط با کمبود شدید مسکن، غذا و بهداشت روبرو میباشند. محلت کمبود امکانات پزشکی

و داروئی و نبود بهداشت و نظافت در محل سکونت زمینه شیوع بیماریهای مختلف از شبه و گرفته تا اسهال و استفراغ و چشم درد و بویژه در زمین کودکان، خطر صدای بشمار میآید. در همین رابطه فرزندی یک زن عرب به طت تسب شدید و نبود پزشک، یک پایش فلج میشود. اکثراد و پاسبه خانوار درون یک اتاق مدرسه با جایی مشابه زندگی میکنند و مدای از آوارگان در کنار خیابان بسر میبرند. و در مقابل خواستشان برای مسکن شهردار رژیم ارتجاعی پاسخ سر بالا بد آنها میدهد.

با زهم بگذر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در بیرون و کربان مدگما آوارگان را از همه گونه وسائل رفاهی برخوردار میکند. اما حقایق را نمیتوان پوشتاند. رژیم بر مصای ماهیت ضد مردمی خود نمیتواند کوچکترین کاری بکنم بکنم زحمتکشان انجام دهد.

● وضعیت جنگ زدگان خوزستانی

در دانشگاه صنعتی اصفهان

آوارگان اسکان داده شده در اینجا هم مانند سایر نقاط از نظر احتیاجات اولیه در مضیقه هستند و رژیم ارتجاعی با بی اعتنائی خود بهفلاکت آنها خشم انقلابی آنها را لحظه به لحظه افزونتر میکند. علاوه بر مرگ و میر کودکان در اثرها، روزانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر که به علت نبود پتوسایر وسایل گرمکن انفولانتر گرفتارند پشت در بهداری بانتظار می نشینند.

وقتی زنان زحمتکشان برای گرفتن شیر برای کودکانشان به مسئولین مراجعه میکنند، به جای شیر باغش و ناساز روبرو میشوند، از کمک هایی که مردم میکنند هیچ خبری نیست وزن زحمتکشی میگفت: "انگار ما از جیب پدرشان میخوریم، جنگ را خودشان برآنداخته و ما را بی خانمان کردند مانند والان فکر میکنند که به ما صدقه سر میدهند".

علاوه بر اینها رژیم علاوه بر اتاق گردیها در میان آوارگان جاسوسانی گذاشته تا از هرگونه حرکت و روحیه انقلابی آنها باخبر گردد. نفرت بر این رژیم که توده ما را آواره کرده، آنها را تحت سختترین شرایط قرار داده و در میان آنان به جاسوسی میزدازد.

● وضعیت آوارگان مستقر در

اداره "مالاریای کرمان"

عدای از زحمتکشان آواره در اداره مالاریای کرمان مستقر شده اند. وضعیت بهداشتی آنان مانند سایر شهرهای شاهه بسیار اسفناک است، تعداد شیرهای آب کم و

جنگ برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار میآورد

گفتگو با یک جنگ زده خرمشهری

گروهی از کارکنان جنگ زده آموزش و پرورش در ساختمان مرکزی اسرورانجا به درمستمان فاطمین جمع شده بودند. زمره که با زور سر را کج گرفته بودند غلظت را بر سر دم با صدای گرفته و خسته پاسخ داد: "یک سر زده من و دو شرسای جیش اما نت کرده ادا مددا در خرمشهر هنگامیکه برای نجات همه ما به اردر حاکمه سرون رفته سیر خورده ولی سواستحسان نجات دهد". علت آمدن سرن را سدا داره بر سر دم آهی کشید و جواب داد "از دست این سیر فیس، شوهر خواهرم در خرمشهر کشته شده، معلم بود، آمده ام حقوقش را بگیرم. با هزار دینجی و در بیدری و برمان برمان روانه استحسان کرده اند. حالا برادرم رفته من خوشبختان سینه خه میگویم. در مورد خانه و زندگستان بر سر دم گفت: "ای با با خونه و زندگی دیگره کجا بود، همه را عراقیها سوزانده و غارت کردند و بر دند عراق، دیگره خونه و زندگی وجود نداره که ستایی بدهد، همه مردم تمام هستی خود را سدا دادند، فقط در خانه هایی که کشته شدند زندگی میکردم، راد سولوسون هم اشن دروغ میگه که در اهواز و عرب خیری ست. اینها یک مش سیرف بیشتر سستند. این لباس که من ماست مال مردم است آمدیم نهران و سربار آسای دوری شدیم. سراهن مرا برای پاسمان دسم باره کردند و سلوارم را هم بخاطر نام." پرسیدم فکرمیکنی این جنگ بفتح کیست؟ جواب داد: "خوب، معلومه بفتح خودشان" ادا مددا: "بله این جنگ تنها سوسر ما به داران دو کشور است و بضرر ما زحمتگان. تا زیانت را باز میکنی که با بانون نیست، بفت نیست... و... میگویند حرف نزن وضعیت جنگه، جنگ هم بیا نه خوبی شده، مگر قبل از جنگ هم منظور نبود؟ در این موقع برادرش برکت و گفت "هیج جواب منجی ندا دو گفت بیرو دتا بعد" و سس با خیم و نفرت به رژیم و فریاد زنان خدا حافظی کردند و رفتند (۵۹/۸/۱۸).

نصفه از صفحه ۱ سکار ...

شرکت ها محل سدا ندیعی بزبان ساده حالاکه نمی سوانیم سارا استنما رکنیم، سایدیکاری نکنیم. ساره کارگران این بندر همجنسان ادا مددا رد! آری، روز و سروز ستر آشکار میشود که ایس جنگ سس سر ما به داران ایران و عراق فقط برای سوده های مافلاکت و بدبختی به ارمغان می آورد. ■

نصفه از صفحه ۱ حبس ...

را برای سرکوب خانواده جنگ زده بکسک مطلبند که سدا داران با ایجاد رعب و وحشت، مانع از سا ختن سرنه میگردند. زحمتکشان آواره دیگر از این کار بیخشم آمده و ضمن محکوم کردن عمل ارتجاعی سدا داران بانها ن جنگ ارتجاعی را بیاد دشنام گرفتند. ■

سواک با ستاد امداد!

رامهرمز، ۸/۲۲

ستاد امداد مستقر در یکی از دبیرستانهای رامهرمز، فرمایشی به آوارگان ساکن در مدرسه میدهد که در آن آوارگان خواسته شده که تعهد نمایند در صورتیکه مهمان یا غریبه ای بمحل سکونت آنها بیاید، حتما به ستاد گزارش دهند. در غیر اینصورت مسئول عواقب ناشی از آن خواهند بود! واضح است که مقصود مسئولین ارتجاعی ستاد از مهمان و غریبه، نیروهای آگاه و کمونیستی است که برای دیدن وضعیت آوارگان و توضیح علل آن بمحل سکونت آنها میروند و بهین خاطر رژیم زیر پوشش ستاد امداد دست به تشکیل ساواک میزند. تا بخیال باطل خود از آگاه شدن آوارگان جلوگیری کند. ■

از نامه یک سرباز آگاه

در جبهه خوزستان

... این تودمهای مردم و سربازان که اکثر

وابسته به طبقات زحمتکشان هستند میباشند که برای حفظ منافع سرمایه داران و دینی اهداف ارتجاعی تولید بورژوازی به گوشت دم تسوپ تبدیل شده و کشته میشوند. ... نیروی هوایی، مناطق مسکونی عراق را بمباران میکند و توده های عراقی را کشتار هم - چنانکه خلق قهرمان کرد را در کشور خود ممان بمباران و سرکوب کرده و میکند. ... من نمیخواهم آرزوی کشته شدن در جبهه و در این لباس راهگزن نداشته و ندارم و آرزو میکنم بتوانم سالم از اینجانب آمده و در جایی دیگر و در راه هدف مقدس و ولای طبعه کارگر و زحمتکشان و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق همچون دیگر پیکارگران دلیر بیکارنمایم.

وضعیت آوارگان خوزستانی در بروجرد

هم اکنون در حدود ۸۰۰ نفر از هموطنان جنگ زده خوزستانی که اکثر آنان بچه های کوچک میباشند در مدارس و مساجد شهر بروجرد بسر میبرند و هر سه یا چهار نفر خانوار در یک اتاق ۴×۳ زندگی میکنند. احتمال شیوع بیماریهای واگیردار بسیار است، کیفیت غذا بسیار پایین بوده و مضافا سوسه تغذیه اغلب مریض میباشند. لباس و پتو اندازه کافی وجود ندارد و مسئولین ارگانهای رژیم مانع در هرگونه کمک مردم در این زمینه میشوند و به آنها میگویند که باید کمکها را به انجمن اسلامی تحویل دهند تا آنها بخت نمایند ولی مردم بمعلت عدم اعتقاد به رژیم ترجیح میدهند کمکها را مستقیما به آوارگستان برسانند. رژیم حاکم اغلب کمکهای رایگان مردم را بابه آوارگان به قیمت گران میفروشد و با ممال او این کمکها را می دزدند. ■

زخمی شدن یک زن زحمتکش در صاف کوبین

روزدوشنبه ۲۴ آبان، عده ای از مردم زحمتکشان "اسلام شهر" که برای دریافت کوبین به بانک صادرات رفته بودند به نحوه توزیع غیر عادلانه کوبین و فقر و فلاکت ناشی از این جنگ اعتراض میکنند که طبق معمول خود را بسا سدا داران ارتجاع روبرو میکنند، سدا داران برای متفرق نمودن مردم شروع به تیراندازی هوایی میکنند که یکی از تیرها پس از اصابت به تابلویی آتشکشته و شیشه های آن رگ گردن یکی از زنان زحمتکشان صاف را پاره میکند. عده ای دیگر در حین فرار، بر اثر گیر کردن به سیمهای خاردار زخمی میشوند. ■

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست